

■ بررسی شاخص‌های گفتمان وزارت محور در قرون میانه ایران تاروی کار آمدن تیموریان

فاطمه رستمی؛ مهدی فرهانی منفرد

■ چکیده

هدف: هدف از این مقاله بررسی جایگاه نهاد وزارت در طول تاریخ ایران دوره اسلامی و تعیین مولفه‌های شاخص گفتمان وزارت محور در قرون میانه ایران تاروی کار آمدن تیموریان است. روش/رویکرد: این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی تاریخی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای به تبیین این مسئله پرداخته است. یافته‌ها و نتایج: طبق یافته‌های به دست آمده، جایگاه وزارت در طول تاریخ ایران اسلامی علی‌رغم فراز و نشیب‌های بسیار در عرصه سیاسی، از منزلت ویژه‌ای برخوردار بوده است و در اندیشه سیاسی اسلام نیز به جایگاه نهاد وزارت و نقش وزیر تاکید شده است. این مساله خود زمینه‌ساز ظهور گفتمانی در منابع اسلامی شده که می‌توان آن را گفتمان وزارت محور نامید که مهم‌ترین مولفه‌های آن، خرد ملک‌داری و هنر نویسندگی است.

کلیدواژه‌ها

نهاد وزارت/گفتمان وزارت محور/خرد ملک‌داری/هنر نویسندگی.

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و دوم، دفتر اول، (بهار ۱۳۹۱)، ۶-۱۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۹/۲۰ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۱۲

بررسی شاخص‌های گفتمان وزارت محور در قرون میانه ایران تا روی کار آمدن تیموریان

فاطمه رستمی^۱ | مهدی فرهانی منفرد^۲

مقدمه

وزارت، که امروزه از آن به عنوان نهاد یاد می‌شود، در تاریخ ایران، رکن مهم نظام دیوان‌سالاری و سرپرست آن، یعنی وزیر، عقل منفصل حکومت و منشأ حکمت و خردمندی در رأس حاکمیت محسوب می‌شد؛ به‌ویژه آنکه این ویژگی در منابع، در مقایسه با نهاد امارت، برجسته‌تر نشان داده شده است. در قرون میانه ایران، گفتمان وزارت محور، همواره در تقابل با گفتمان امارت محور قرار داشته است. فاعلان گفتمان امارت محور را امیران ترک تشکیل می‌دادند. متولیان نهاد وزارت، عموماً از میان ایرانیان انتخاب می‌شدند که در عرصه فرهنگی و دبیری مهارت داشتند؛ در حالی که، نهاد امارت را امیرانی اداره می‌کردند که مهم‌ترین ویژگی آنها توجه به امور نظامی بوده است. ویژگی نویسندگی، در کنار خردمُلک‌داری، از جمله امتیازات وزیران ایرانی در برابر امیران ترک محسوب می‌شد که در منابع تاریخ میانه به خوبی منعکس شده است.

پژوهش حاضر در صدد است با توجه به جنبه تقابلی گفتمانی نهاد وزارت و امارت، به بررسی شاخص‌های گفتمان وزارت محور بپردازد. مهم‌ترین سؤال پژوهش این است که شاخص‌های گفتمان وزارت محور حول چه محوری قرار داشته و به چه علت در تاریخ میانه ایران نقش بسته است؟ از آنجا که در پژوهش‌های تاریخی، کمتر به نهاد وزارت، از دریچه گفتمانی توجه شده، پژوهش حاضر از این حیث تحقیقی بدیع و تازه محسوب می‌شود.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران
دوره اسلامی دانشگاه الزهراء.
frostami98@gmail.com
۲. دانشیار تاریخ ایران
دانشگاه الزهراء.
m.f.monfared@gmail.com



وزارت در گذر تاریخ ایران

چگونگی تأسیس نهاد وزارت و تاریخ دقیق شکل‌گیری نظام دیوان‌سالاری، در منابع، به‌روشنی ذکر نشده است. اما قدر مسلم آن است که در طول تاریخ ایران، همواره، در کنار شاه، سلطان و یا خلیفه، وزیری حضور داشته که در مقام مشاوره و تدبیر ایفای نقش می‌کرده است. از منابع دوره اسلامی چنین استنباط می‌شود که ایرانیان در دوره هخامنشیان و در ادامه، در دوره ساسانی، دارای نظام دیوانی بودند که در رأس آن وزیر قرار داشت که به آن «بزرگ‌فزار» به معنی عهده‌دار کارها می‌گفتند (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۵۴). کریستن‌سن، بر این نکته اشاره دارد که منصب وزیر اعظم، که در زمان عباسیان متداول شد، برگرفته از منصب «وزرک فرمدار» ساسانیان بوده است (کریستن‌سن، ۱۳۷۲، صص ۱۳۵-۱۳۶). در دوره ساسانیان، دو دیوان خراج و هزینه، تحت نظارت وزیر اداره می‌شد. درآمدها متعلق به دیوان خراج و هزینه‌های قشون مربوط به دیوان هزینه بود (آشتیانی، ۱۳۸۴، ص ۱۹).

با ورود اسلام به ایران و افزایش فتوح سرزمین‌های اسلامی و نیاز به ثبت مناطق فتح شده، جهت دریافت جزیه، عمر بن خطاب، نظام دیوان‌سالاری را، به‌شيوه ایرانیان تأسیس کرد (جهشیاری، ۱۳۴۸، ص ۱۶). مهم‌ترین دیوان‌ها در این دوره، دیوان خراج و دیوان جند بود، که به امور مالی سپاهیان می‌پرداخت (جهشیاری، ۱۳۴۸، ص ۵۳). کاربرد این دو دیوان، ثبت و ضبط انواع مالیات بر مسلمانان و غیرمسلمانان و تعیین مقرری سپاهیان بود. در زمان معاویه، دیوان‌های دیگری مانند دیوان خاتم (دفتر مخصوص مهر خلافت) و دیوان برید (دفتر پست) تأسیس شد. بعدها، دیوان بیت‌المال، دیوان استیفا (امور مالی و دخل و خرج دربار)، دیوان مظالم (رسیدگی به شکایات)، و دیوان رسائل (دیوان اعلی) اضافه شد. با وجود این، در منابع، ذکری از وزارت به شکل نهادی منسجم نشده است. مهم‌ترین نیاز خلفای اموی، ثبت امور مالی و دیوانی بود؛ لذا منصب کتابت و دبیری همپای مقام وزارت حائز اهمیت بود و گاهی از وزیر با نام کاتب یاد شده است (ابن طباطبایا، ۱۳۶۷، ص ۲۰۶). در دوره عباسیان، تشکیلات اداری و دیوانی شکلی منسجم به خود گرفت. در این دوره، وزیر عهده‌دار بالاترین جایگاه دیوان‌سالاری، یعنی دیوان اعلا بود. به‌طور مثال، ابوسلمه خلال، اولین وزیر دربار عباسی، عهده‌دار کل نظام دیوانی بود (ابن طباطبایا، ۱۳۶۷، ص ۲۰). در سایه حمایت خلفای عباسی از وزیران، شاهد درخشش چشمگیر خاندان‌های بانفوذی نظیر آل برمک و آل سهل هستیم که در برهه‌ای از تاریخ عباسیان سهم بسزایی از مناصب حکومتی را به خود اختصاص داده بودند. قدرت و نفوذ وزیران گاهی تا بدانجا بود که به فضل بن ربیع، وزیر هارون، لقب ذوالریاستین، یعنی صاحب شمشیر و قلم، می‌دادند.

با تشکیل حکومت‌های نیمه مستقل در مناطق شرقی ایران، نظیر طاهریان و صفاریان،



قاعده وزارت در این حکومت‌ها نیز برقرار شد؛ به گونه‌ای که طاهریان، مانند دیوان دستگاه خلافت، صاحب دیوان جیش، عرض، استیفا، مظالم، و اشراف بودند (تنکابنی، ۱۳۸۳، ص ۶۶). در خصوص صفاریان نیز تنها گردیزی به چهار خزینة سلاح، مال و صدقات سپاه، مال خاص، و حشم بسنده کرده است (۱۳۴۷، ص ۱۳۳).

در دوره سامانیان، وزارت به درجه والای خود در نظام دیوان‌سالاری دست یافت. بنا به نوشته نرشخی، در زمان آل سامان، امیر نصر بن نوح، «... هر عاملی را جداگانه دیوانی بودی اندر سرای خویش بر در سرای سلطان، چون دیوان وزیر و دیوان مستوفی و دیوان عمیدالملک و دیوان شرط و دیوان صاحب موبد و دیوان شرف و دیوان مملکه خاص و دیوان محتسب و دیوان اوقاف و دیوان قضا» (۱۳۶۲، صص ۴۱-۴۲). خاندان عتبی و بلعمی نیز علاوه بر هنر دبیری و نویسندگی، در زمینه منصب وزارت، از نام‌آوران عرصه دیوانی بودند. «نوح بن منصور، ابوالحسین عتبی را خلعتی گرانمایه بخشید و ساز و اهبت (ابهت) آلت سپهداری و لشکرکشی با شعار وزارت و خواجه‌گی جمع کرد» (جرفادقانی، ۲۵۳۷، ص ۵۷). ظاهراً حیطة وظایف عتبی فراتر از وزارت بود. علاوه بر دو خاندان مذکور، وزیرانی نظیر ابوالعباس ابوالفضل احمد نیز علاوه بر دارا بودن منصب وزارت، صاحب دیوان برید هم بودند (جرفادقانی، ۲۵۳۷، ص ۳۰۱). در دوره غزنویان، سلاطین غزنوی، با هضم سنت دیوان‌سالاری ایرانی در دل ساختار حکومتی خود، به تداوم نظام دیوان‌سالاری ایرانی یاری رساندند. به خصوص، حمایت سلاطینی همانند محمود غزنوی در تحکیم پایه‌های نظام دیوان‌سالاری مؤثر بود. وزیر، همچنین، بر مهم‌ترین دیوان این دوره، یعنی دیوان رسائل، نظارت داشت. ابونصر مشکان و ابوالفضل بیهقی از چهره‌های مهم دیوان رسائل بودند. دیوان عرض، استیفا، اشراف، و وکالت هم زیر نظر وزیر اداره می‌شد.

با روی کار آمدن سلجوقیان، نهاد وزارت، دوران طلایی خود را تجربه کرد. این تجربه، در کسوت شخصیتی نظریه‌پرداز با نام خواجه نظام‌الملک طوسی، وزیر دربار ملکشاه سلجوقی، مستوفی، فرمانده نظامی، و مؤلف کتاب سیاست‌نامه تجلی یافت. وزرای دیگر نیز بنا بر محبوبیت و توانایشان، در امور مختلف حکومت سهیم بودند. اما سهم خواجه از امتیازات وزارت بیش از سایرین بود. وی، سلطان را در لشکرکشی‌ها یاری می‌کرد. سعدالملک، وزیر محمدبن ملکشاه نیز، مسئول جمع‌آوری قشون برای کمک به سلطان شد (کلوزنر، ۱۳۸۹، ص ۹۰). منزلتی که خواجه برای قاضی قائل شده، همپای وزیر است و جای تأمل اینکه وی خود هم وزیر بوده و هم مسئول رسیدگی به امور قضایی. دوره وزارت خواجه نظام‌الملک، دوره اعتلای منصب وزارت در ابعاد نظری و عملی بوده است. در ابعاد نظری، با خلق سیاست‌نامه، مبدع گفتمان وزارت محور شد و در ابعاد عملی، با کسب

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص اندیشه‌های خواجه نظام‌الملک ن.ک: طوسی، نظام‌الملک (۱۳۷۴) سیرالملوک (سیاست‌نامه)، (۴ج) (جعفر شعار، کوششگر). تهران: امیرکبیر.

اختیارات ویژه در امر وزارت، نهاد وزارت را در بالاترین جایگاه نظام دیوانی قرارداد. دوره ایلخانان را می‌توان دوران احیای نهاد وزارت دانست. عظاملک جوینی، از جمله وزیران بانفوذ دربار هلاکو، از اختیارات ویژه‌ای برخوردار بود. از دوران خوارزمشاهیان، اداره امور مالیه و عایدات مملکت در دست خاندان معروف جوینی بود. به خاندان جوینی صاحب دیوان می‌گفتند. پدر وی، در دربار اوکتای، به سمت صاحب دیوانی رسیده بود. برادرش، شمس‌الدین، از سوی هلاکو حاکم بغداد شد. خاندان جوینی، علاوه بر منصب وزارت، از خاندان‌های ادیب پرور این دوره محسوب می‌شدند. پس از وی خواجه رشید الدین فضل‌الله، وزیر دربار غازان‌خان، این رویه را تداوم بخشید. او نظریه گفتمان وزارت‌محور را پس از دوره‌ای از تسلط امیران، در زمان ضعف سلجوقیان و خوارزمشاهیان، بازتعریف و بازتولید کرد. وی، همانند هم‌منصب خود، خواجه نظام‌الملک طوسی، نظریه پرداز بود. با اختیاراتی که غازان برای او قائل شد، دست به اصلاح قوانین یاسایی زد و امور مالی و درباری را بهبود بخشید و در زمینه اقتصادی سبب‌ساز تحولی نو گردید.

شاخص‌های گفتمان وزارت‌محور

هنگامی که از گفتمان سخن به میان می‌آید، مقصود از آن، زبان در کاربرد اجتماعی است (ساسانی به نقل از هلیدی، ۱۳۸۷، ص ۳۸). منظور از گفتمان وزارت‌محور نیز مجموعه نشانه‌ها و علائمی است که در قالب متن، در جهت حمایت از نهاد وزارت تبلور یافته است. بررسی متون مختلف، به‌خوبی گویای تسلط گفتمان وزارت‌محور بر حاکمیت سیاسی ایران بوده است. برای شناسایی شاخص‌های گفتمان وزارت‌محور، منابعی همچون وزارت‌نامه‌ها و سیرالملوک‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در کنار این منابع باید از متون تاریخی، به‌ویژه متون سده‌های میانی غافل نماند. در تاروپود آثار ارزشمندی چون تاریخ یمنی، تاریخ بیهقی، راحة‌الصدور، تاریخ جهانگشای جوینی، و جامع‌التواریخ می‌توان ویژگی‌های مشترک گفتمان وزارت‌محور را مورد ارزیابی قرار داد. در این بررسی‌ها، شاخص خرد ملک‌داری و توانمندی‌های نویسندگی از جمله شاخص‌های گفتمان وزارت‌محور محسوب می‌شود. معیار شناسایی شاخص‌های گفتمان وزارت‌محور، براساس تأیید مشترک غالب منابع سده‌های میانی، بر وجود دو شاخص خرد ملک‌داری و توانمندی‌های نویسندگی بوده است.

خرد ملک‌داری

خرد ملک‌داری و تدبیر حکومت، یکی از شاخص‌های گفتمان وزارت‌محور محسوب می‌شود. این اندیشه، در دوره‌های تاریخی، در قالب وزیری مدبر و مشاور ترسیم شده است.



در تأیید این سخن، می‌توان به سخنان حکیمی اشاره کرد که در پاسخ به سؤال یزدگرد دوم که از وی پرسیده بود مایه صلاح پادشاه چیست؟ گفته بود: «... وزیران و دستیاران وی که اگر به صلاح آیند کار مُلک به صلاح گراید و اگر تباهی کنند به تباهی رود» (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۴۵).

در دوره اسلامی و با افزایش وزارت‌نامه‌نویسی و سیرالملوک‌نویسی، بر شاخص خرد ملک‌داری وزیران تأکید فراوان شده است. به‌طور مثال، در دستورالوزاره اصفهانی به نقل از دیوجانس آمده:

«پادشاه فلک رفعت چون با وزیر عالی رأی مشورتی کرد به جاذبه اسباب سعادت، لطیفه مستفاد مصلحت را ضمیمه اندیشه خود فرمود و هر آینه نتیجه آن الاحقیقت صواب و نهج مراد نباشد» (اصفهانی، ۱۳۶۴، ص ۳۴).

چنانچه از عبارت مذکور استنباط می‌شود، نقش وزیر در رستگاری و راه‌صوابی است که در نبود آن ممکن است نتیجه عکس شود. در برخی مواقع، حضور وزیر، سبب جلوگیری از ستم بی‌اندازه شاه به رعیت شده و وزیر حایل میان سلطان و رعیت می‌شود. وزارت‌نامه‌هایی نظیر *الوزراء و الکتاب جهشیاری و نسایم الاسحار من لطائم الاخبار در تاریخ وزراء*، نوشته ناصرالدین منشی کرمانی، ضمن معرفی وزیران هر دوره، به نقش مهم وزیر و بایدها و نبایدها در خصوص آنان سخن به میان آمده است.

در منابع دیگر نیز مواردی مبنی بر اهمیت ملک‌داری وزارت دیده می‌شود. چنانچه راوندی در اثر خود، یکی از وظایف وزیر را نگهداری پادشاه از وزر و وبال دانسته و به نقش وی در افزایش مال پادشاه اشاره دارد (راوندی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۰). در مقابل، ظلم وزیر را هم مانع عدل امیر می‌داند (راوندی، ۱۳۶۴، ص ۷۴). خواجه نظام‌الملک، در *اخلاق ناصری*، حین معرفی صنایع گوناگون، آنچه را که به جوهر عقل تعلق دارد مانند صحت رأی و صواب مشوره و حسن تدبیر، جزء صناعت وزرا دانسته (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۹۳) و بر این عقیده است که «... وزیر نیک پادشاه را نیکوسرشت و نیکو نام گرداند و هر پادشاهی که او بزرگ شده است و بر جهانیان فرمان داده است ... همه آن بوده‌اند که وزیران نیک داشته‌اند» (طوسی، ۱۳۶۸، صص ۲۳۳-۲۳۴). اهمیت کار وزیر در عنوانی که در برخی منابع به وزیر داده‌اند معلوم می‌گردد. نام دیگر وزیر در این منابع «دستور» بوده، به‌طوری که غزالی در *کیمیای سعادت*، صفات وزیر را چنین بیان می‌کند: «... و دستور چنان باید که داننده و خردمند بود و پیرمرد بود؛ زیرا که وزیر جوان بود و خردمند، چون پیر نبود آزمایش ندارد» (غزالی، ۱۳۶۷، ص ۱۸۰).

در ساختار حکومت اسلامی نیز اندیشه خرد ملک‌داری وزیر مورد تأیید ارکان دیوانی بوده است. در مواقع اضطراری و بحرانی، وزیر همانند عقل منفصل حکومت عمل می‌کرد.



شاید گزارش‌های بیهقی در خصوص آیین ملک‌داری وزیران مستدل‌تر و عینی‌تر از سایر منابع باشد. در صفحات مختلف تاریخ بیهقی، نویسنده مرز میان محدوده اقدامات وزیران و امیران را مشخص کرده و در این میان، برای شغل وزارت ارج و منزلت خاصی قائل بوده است. وی، در سه گزارش، به‌وضوح، بر تمایز وظایف گروه اهل شمشیر و اهل قلم تأکید داشته است.

در گزارش اول، هنگامی که خواجه احمد وزیر از سپاهیان امیر مسعود در خصوص تدابیر حکومتی سؤال می‌کند، امیران می‌گویند:

«ما بندگانیم و ما را از بهر کار جنگ و شمشیرزن و ولایت زیادت کردن آرند و هر چه خداوند سلطان بفرماید، بنده‌وار پیش رویم و جان‌ها فدا کنیم. سخن ما این است. سخن باید و نباید و شاید و نشاید کار خواجه باشد که وزیر است و این کار ما نیست» (بیهقی، ۱۳۸۳، ص ۴۲۰).

بیهقی، علاوه بر گزارش فوق، در دو جای دیگر اثر خود مجدداً از زبان امیران اشاره می‌کند: «... ما بندگانیم، جنگ را باشیم و بر فرمانی که پاییم کار می‌کنیم و شمشیر می‌زنیم تا مخالفان به مراد نرسند. تدبیر کار خواجه را باشد» (بیهقی، ۱۳۸۳، ص ۴۴۶). به‌نظر می‌رسد که بیهقی با نقل گزارش‌های فوق، علاوه بر شرح گزارش، قصد پررنگ نشان دادن اقدامات وزیران را داشته است. با بررسی این دو گزارش فوق می‌توان به وسعت محدوده اختیارات وزیران در برابر قدرت محدود امیران دست یافت، تا جایی که خود امیران نظامی نیز به این خرد ملک‌داری وزیران اعتراف کرده‌اند.

علاوه بر موارد فوق، بیهقی در اثر خود از دبیر دیوان به‌عنوان فردی گرم و سرد چشیده یاد می‌کند که امروز را از فردا می‌داند (بیهقی، ۱۳۸۳، صص ۲۲۹-۲۳۰). منظور وی از دبیر در عبارت فوق، وزیری است که در امر ملک‌داری تجربه دارد. ذکر عبارت «محال است که دبیران را رایگان شغل فرمودن» (بیهقی، ۱۳۸۳، ص ۶۲۵) از سوی خواجه احمد بن عبدالصمد، وزیر به بیهقی، نیز مصداق منزلت‌بخشی مقام وزیران بوده است.

در ماجرای دیگر، در همین کتاب، هنگامی که خواجه احمد خود را از نظر دادن در خصوص مباحث حکومتی معاف می‌دارد، بیهقی به نقل از امیر مسعود می‌نویسد: «خواجه خلیفه ماست و معتمدتر از همه خدمتکاران و ناچار در چنین کارها سخن با وی باید گفت. تا آنچه داند باز گوید و ما می‌شنویم. آنگاه با خویشان بازناندازیم» (بیهقی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۲). همچنین، در خصوص دلجویی امیر مسعود از وزیر خود خواجه احمد بن عبدالصمد می‌نویسد: «این سخن فریضه بود تا این کارها مگر بگشاید که بی وزیر راست نیاید» (بیهقی، ۱۳۸۳، ص ۴۲۵). مسعود غزنوی، در پی عدم رضایت احمد بن حسن به منصب وزارت در طی نامه‌ای نوشت: «من



همه شغل‌ها بدو خواهم سپرد مگر نشاط و چوگان و جنگ، و در دیگر چیزها همه کار وی را باید کرد و بر رأی و دیدار وی هیچ اعتراض نخواهد بود» (بیهقی، ۱۳۸۳، ص ۳۱). گزارش‌های مذکور در تاریخ بیهقی، به خوبی بر شاخص خرد ملک‌داری وزیر اشاره داشته است. تأکید بر شاخص خرد ملک‌داری در اثر بنداری، در قالب تعریف و تمجیدهای نویسنده، از اقدامات مؤثر و ارزشمند خواجه نظام‌الملک جای گرفته است. وی، در صفحات مختلف کتاب *زبدة‌النصره و نخبة‌العصره* از اقدامات نیک وزیر سلجوقی یاد و از او قدردانی کرده است (بنداری اصفهانی، ۱۳۵۶، صص ۶۴-۷۵). جوینی نیز در اثر خود *تاریخ جهانگشای جوینی* از حضور محمود یلواج وزیر دربار چنگیز به منزله منجی یاد کرده که توانسته خرابی‌های مغولان را ترمیم کند. عبارت «اهتمام تمام آن بود که زمام آن ممالک در کف کفایت صاحب اعظم یلواج خلف صدق امیر مسعود بک نهادند تا به رأی صایب اصلاح مفاسد آن کردند» (جوینی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷۵) و یا «صحت این دعوی آثار طراوت و عمارت است که مشرق انوار آن عدل و رأفت باشد بر صفحات آن طاهر است» (جوینی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷۵) بیانگر این مدعا است.

هنر نویسندگی

از آنجا که مهم‌ترین وظیفه وزیران، در طول تاریخ، ثبت و ضبط امور مالی و دیوانی بوده است؛ علاوه بر شاخص خرد ملک‌داری، هنر نویسندگی نیز از جمله شاخص‌های گفتمان وزارت محور محسوب می‌شود. در دوره باستان، با توجه به آشنایی ایرانیان به خط و کتابت، این مهم توسط وزیران ایرانی صورت می‌گرفت. بعد از ورود اسلام، این سمت در تشکیلات دیوان‌سالاری اسلامی همچنان نزد ایرانیان مانده و در دوره استیلای ترکان بر ایران همچنان تداوم یافت. علت اصلی این اقدام از سوی اعراب و سپس ترکان، سوی سابقه ایرانیان به امور دیوان‌سالاری، آشنایی آنها به کتابت و خط بوده است. ماهیت زندگی ترکان، همانند اعراب مسلمان، بیابان‌گردی و گله‌داری بود. در این نوع معیشت، نیازی به تأسیس نهاد وزارت و تشکیلات دیوانی نبود. اما با استیلای ترکان بر مرزهای ایران و تغییر نوع زندگی از مرحله کوچ‌نشینی به یکجانشینی، استفاده از وزیران ایرانی در دستگاه دیوان‌سالاری لازم و ضروری شد. همانطور که در صفحات قبل اشاره شد، به دلیل اهمیت کتابت از سوی وزیران، به آنها کاتب می‌گفتند.

با شکل‌گیری حکومت‌های نیمه مستقل در ایران تحت نظارت خلفای عباسی، حضور وزیرانی که در کسوت وزارت به کار نویسندگی نیز می‌پرداختند، پررنگ‌تر شد. به طور مثال، دو خاندان معروف سامانیان، به نام‌های خاندان جیهانی و بلعمی، علاوه بر معرفتشان در منصب وزارت، در زمینه نویسندگی نیز از جمله خاندان‌های ادیب‌پرور محسوب می‌شدند.

در این جریان فرهنگی، نه یک وزیر بلکه کل یا بیشتر خاندان وی دارای هنر نویسندگی بوده‌اند. خاندان‌های جیهانی، آل برمک، و جوینی نیز از جمله خاندان‌های مهم در زمینه وزارت و هنر نویسندگی بوده‌اند.

اگر قرار باشد حدود فاعلان این گفتمان مشخص شود، باید علاوه بر شخص وزیر، کاتبان، دبیران، و منشیان درباری را هم در دایره خودی گفتمان وزارت محور جای داد. در منابع نیز اصطلاح «اهل قلم» که در برابر گروه «اهل شمشیر» آمده، شامل نهاد وزارت و کاتبان و منشیان دیوانی است. به‌ویژه اینکه، وزیر، در تاریخ ایران، رابطه نزدیکی با دیوان رسائل داشته است. در این جمع، جایی برای جولان دادن برای هنر جنگاوری نظامیان نبود. از آنجا که امیران دارای خط و کتابت نبودند، ابزاری برای دفاع از خود در برابر وزیران نداشتند.

تا روی کار آمدن تیموریان، حامیان گفتمان وزارت محور به دو شیوه، حمایت خود را از نهاد وزارت نشان می‌دادند: نخست، مدح صاحبان قلم؛ و دیگر، تقبیح گفتمان رقیب که اهل شمشیر بودند. علاوه بر وزارت‌نامه‌ها، در سیر الملوک‌هایی نظیر سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک، بابی درباره وزارت و تأثیر بر تحولات سیاسی جامعه قید شده است. خواجه نظام‌الملک، در اثر خود، به اهمیت و نقش اهل قلم در حوادث سیاسی اشاره کرده و از زبان ارسطاطالیس به سلطان توصیه می‌کند که «... چون کسانی را که قلم ایشان در مملکت سلطان روان باشد بیازرد نیز او را در شغلی منصوب نکند که وی سر با دشمنان سلطان یکی کند و وی را به هلاکت رساند» (طوسی، ۱۳۳۸، ص ۴۲).

ویژگی اهل قلم، در منابع مورد حمایت آنها، ذوق و هنر ادبی است. صاحبانش دبیران‌اند که خداوندان فطنت و پشتیبانان دولت‌اند و نوک قلم ایشان بلبل بستان بلاغت و عندلیب اغضان براعت است (همدانی، ۱۳۵۸، ص ۸۶). شاخص نویسندگی، چنان در نظر اهل فن باارزش معرفی شده که نویسنده‌ای همانند بیهقی، که از حامیان جبهه گفتمان وزارت محور محسوب می‌شود، بارها از این ویژگی به‌عنوان برگ برنده در برابر امیران ترک یاد کرده و با ذکر گزارش «... و حاضران خط‌های خویش در معنی شهادت بنشستند (بنشستند؟) و سالار بگتغدی خط نبود، بونصر از جهت وی نوشت» (بیهقی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۶)، عدم آشنایی امیران به کتابت را به منزله ضعفی آشکار معرفی کرده است. در گزارشی دیگر، در تقابل با این ویژگی منفی امیران، به توانمندی نویسندگی بونصر مشکان با ذکر عبارت «استادم خواجه بونصر نسخه نامی بکرد. نیکو به غایت چنان که او دانستی کرد که امام روزگار بود در دبیری» (بیهقی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۷). تأکید داشته است. وی، همچنین امیر مسعود را از آن جهت که فارسی می‌دانسته با این عبارت «از پادشاهان این خاندان ندیدم که کسی پارسی چنان خواندندی و نبستی» (بیهقی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۶) تمجید می‌کند. بیهقی که خود در دربار مسعود غزنوی سمت منشی‌گری داشته، با اشراف

به درگیری دو جبهه وزرا و امرا، جانب گروه اهل قلم را گرفته است. نگاه نقادانه به فقدان فرهنگ و تمدن در میان امیران ترک، نه تنها در تاریخ بیهقی، بلکه در آثار کسانی نظیر راوندی، در دوره سلجوقیان؛ جوینی، و خواجه رشیدالدین فضل‌الله، در عصر ایلخانان، نیز به چشم می‌خورد. راوندی، در *راحة الصدور*، امیران را ترکانی دانسته که اعمال دیوانی را رعایت نکرده، امور شرعی از قضا و تدریس و تولیت و نظر اوقاف هم باقطاع گرفته‌اند. در ادامه، با ذکر عبارت «در هر شهری چنین بی‌دینان را مستولی کردند» (راوندی، ۱۳۶۴، ص ۳۸۶)، نارضایتی خود را از حضور امیران ابراز کرده و آنان را در دایره غیر خودی جای داده است.

در عصر ایلخانان، مؤلفان کتاب‌های تاریخ جهانگشای جوینی و *جامع‌التواریخ* که هر دو خاستگاه دیوانی داشته و از این دریچه قلم فرسایی کرده‌اند، با وجود خامه محتاطانه‌شان در قبال خان مغول، از بیان برخی حقایق در خصوص ناآشنا بودن امیران ترک به مظاهر فرهنگی و تمدنی خودداری نکرده‌اند. به‌طور مثال، بهاء‌الدین جوینی، در *تاریخ جهانگشای جوینی*، با طرح شیوه معیشت مغولان می‌نویسد: «علامت امیر بزرگ آن است که رکاب او از آهن بوده است. باقی تجملات از این قیاس توان گرفت و برین جمله در ضیق حال و ناکامی و وبال بودند» (جوینی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۵).

در روایت هم دوره جوینی نیز همین نگرش وجود دارد. خواجه رشیدالدین فضل‌الله، وزیر غازان، معروف‌ترین خان ایلخانی، بوده که علاوه بر منصب وزارت، در امر نویسندگی نیز تبحر داشته است. وی، در کتاب *سوانح الافکار*، با ظرافت و باریک‌بینی، ضعف‌های امیران ترک را در زمینه اداره دیوان برشمرده و می‌نویسد:

«خواجه علی فیروزانی که سال‌هاست به خدمت این کمینه قیام نموده و مردی جلد کاردان و کافی و عاقل است بدان جانب فرستادیم تا به حضور آن جناب مجدداً قانون المده اصفهان بسته، دفاتر قدیم که در زمان اتراک جابر و بیتکچیان ظالم پیدا شده بشوید» (همدانی، ۱۳۵۸، ص ۴۵).

یا در روایتی دیگر از همین کتاب، از تقلب و دست‌درازی دو امیر به نام‌های امیرستای و حاجی طغای یاد کرده است (همدانی، ۱۳۵۸، ص ۲۵). مؤلفان این دوره، در آثار خود، علاوه بر امتیاز خرد ملک‌داری، از شاخص نویسندگی گفتمان وزارت‌محور، به منزله امتیازی ویژه، در قبال اقدامات نظامی امیران یاد کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

در تاریخ ایران، نهاد وزارت بر دوش نزدیک‌ترین فرد به شاه، سلطان، و یا خلیفه بوده است.



این نهاد، در سیر تاریخی خود، فراز و نشیب‌های بسیاری را طی کرده است. در برهه‌های مختلف تاریخی، بنا بر مناسبات سیاسی و اجتماعی و در برخی مواقع فرهنگی، جایگاه وزارت دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. در مناسبات سیاسی، هرگاه وزیر دارای اختیار و اعتبار می‌بود، از سوی مخالفان مورد تهدید و تهمت قرار می‌گرفت. در برخی مواقع، اقتدار وزیر سبب کاهش قدرت شاه و در نهایت، وحشت شاه از وزیر می‌شد. در این وضعیت، بنا بر تحریک نزدیکان شاه، که در رأس آنان امیران حضور داشتند، وزیر مقتدر از منصب وزارت عزل شده و در برخی مواقع، به اتهام اختلاس و مال‌اندوزی از چشم شاه و یا سلطان افتاده و در نهایت به قتل می‌رسید. با وجود این، حضور وزیر در کنار شاه در امور سیاسی جزء لاینفک نظام دیوان‌سالاری محسوب می‌شد. در طول تاریخ ایران، نهاد وزارت، دارای گفتمان مختص به خود بوده که مهم‌ترین شاخص‌های این گفتمان - که در این پژوهش از آن با عنوان گفتمان وزارت محور یاد شده - خرد ملک‌داری و هنر نویسندگی بوده است. در مبحث خرد ملک‌داری، تدبیر ملک و ملک‌داری از ویژگی‌های مهم نهاد وزارت قلمداد می‌شود. بر این خصیصه، به‌ویژه، در اندیشه سیاسی اسلام، بسیار تأکید شده است؛ اینکه باید در کنار شاه، وزیری خردمند و دانا حضور داشته باشد که در صورت لغزش شاه امور حکومت را اداره کرده و جامعه را نجات دهد، از ضروریات این‌اندیشه بوده است. در شاخص هنر نویسندگی نیز تأکید بر کتابت و باسوادی وزیران از جمله امتیازات مهم این افراد در برابر امیرانی بوده که از نعمت سواد بی‌بهره بوده‌اند. توجه به عرصه نویسندگی در این گروه تا بدانجا بوده که از وزیران در ردیف گروه اهل قلم یاد شده است.

کتابنامه

- ابن طباطبای (۱۳۳۷). *تاریخ فخری* (محمد وحید گلپایگانی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- اصفهانی، محمود بن محمد بن الحسین (۱۳۶۴). *دستورالوزاره* (رضا انزابی نژاد، مصحح). تهران: امیرکبیر.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴). *وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی* (چ ۲). (محمد تقی دانش پژوه، یحیی ذکاء، کوششگران). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بنداری، اصفهانی (۱۳۵۶). *تاریخ سلسله سلجوقی* (ترجمه زبده النصره و نخبة العصر). (محمد حسین جلیلی، مترجم). تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- بیهقی، ابوالفضل (۲۵۳۶). *تاریخ بیهقی* (چ ۴). (علی اکبر فیاض، مصحح). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- تنکابنی، حمید (۱۳۸۳). *درآمدی بر دیوان سالاری در ایران*. تهران: علمی و فرهنگی.
- جوینی، عظاملک (۱۳۸۲). *تاریخ جهانگشای جوینی* (چ ۳). (ج ۳). (محمد قزوینی، مصحح). تهران: دنیای کتاب.

- جهشپاری، ابو عبدالله محمد (۱۳۴۸). *الوزراء والکتاب* (ابو الفضل طباطبائی، مترجم). تهران، تابان.
- راوندی، محمد بن علی (۱۳۶۴). *راحة الصدور و آية السرور در تاريخ آل سلجوق* (چ ۲). (عباس اقبال، مصحح). تهران: امیر کبیر.
- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۷). *خاطره و گفتمان جنگ*. تهران: سوره مهر.
- قلقشنادی، احمد بن علی (بی تا). *صبح الاعشى في صناعة الانشاء* (شرح و علق علیه قابل نصوصه محمد حسین شمس الدین). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۳). *اخلاق ناصری* (مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، مصححان) تهران: خوارزمی.
- طوسی، خواجه نظام الملک (۱۳۷۴). *سیر الملوک (سیاست نامه)*. (چ ۴). (جعفر شعار، کوششگر) تهران: امیر کبیر.
- غزالی، محمد (۱۳۶۷). *نصیحه الملوک* (چ ۴). (جلال الدین همایی، مصحح). تهران: موسسه نشر هما.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۷۷). *ایران در زمان ساسانیان* (چ ۹). (رشید یاسمی، مترجم). تهران: امیر کبیر.
- کلوزنر، کارلا (۱۳۸۹). *دیوانسالاری در عهد سلجوقی* (چ ۳). (یعقوب آژند، مترجم). تهران: امیر کبیر.
- مسعودی، ابوالحسن علی (۱۳۶۰). *مروج الذهب و معادن الجواهر* (ابوالقاسم پاینده، مترجم). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نرخچی، ابوبکر محمد بن جعفر (۱۳۶۲). *تاریخ بخارا* (ابونصر قباوی، مترجم). (مدرس رضوی، مصحح). تهران: توس.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۷۴). *جامع التواریخ* (چ ۴). (بهمن کریمی، کوششگر). تهران: اقبال.
- _____ (۱۳۵۸). *سوانح الافکار* (محمد تقی دانش پڑوه، کوششگر). تهران: نشر میراث مکتوب.
- یعقوبی، ابن واضح (۱۳۸۲). *تاریخ یعقوبی* (محمد ابراهیم آیتی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

